

پیشکش
ارگان اتحاد چپ دمکراتیک ایران
شماره ۷ - ۱۵ مهر ۱۳۲۵

بسم الله * اتحاد چپ دمکراتیک ایران *

معاونان عزیز :

نیروهای مشرقی و آزادیخواه میهن :

بدنبال گسترش جنگ داخلی در افغانستان و با حمایت امپریالیسم آمریکا و کشورهای مرتجع منطقه و گروه مزدور و مافیای ارتجاعی " طالبان " در ۶ مهر ۱۳۷۵ و برکات سلطه و دود را ولین اقدام جنایتکارانه خود و دکتر محمد نجیب الله آخرین رئیس جمهور حکومت دمکراتیک و خلقی افغانستان و نماینده میهن پرست ترین و آزادانه ترین اقشار جامعه افغانستان را به عکس فحشی به قتل رساند و ارتجاعی ترین قوا یعنی را بر مردم افغانستان تحمیل نمود.

اتحاد مردم و یلید امپریالیسم جهانی و کشورهای مرتجع منطقه و وابستگرایان مذهبی داخلی افغانستان - عملکرد جنایتکارانه گروههای " مجاهدان افغانی " در گسترش جنگ داخلی و بمباران مناطق مسکونی و کشتار و شکنجه مخالفان و و در تحمیل عقاید و رسوم قرون وسطایی به مردم افغانستان - وجود ساختار عقب مانده قبیله ای و عشیره ای متکی به واپس مانده ترین عقاید و بدوین ترین سطح فرهنگ و سواد عمومی - بمبارانهای منظمی ناشی از اعمال نظامی چندین ساله افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی - دخالت آشکار حکومتها و ایران و پاکستان که هر یک در تلاش برای گسترش حیطه نفوذ خود از طریق بازی رساندن به مزدوران مسلح خود در افغانستان بوده و هستند - ... موجب عده اند تا فاجعه عظیم و دردناکی برای اکثریت مردم شتمن افغانستان پدید آید - مناسبانه است با احتیاطات نیروهای مشرقی افغانستان در اداره حکومت و برخورد با مردم و نیز تفرقه ویرا کفگی در صفوف نیروهای مشرقی و چپ افغانستان در تشدید این وضعیت فاجعه بار موثر بوده است -

دکتر محمد نجیب الله در چهارم مه ۱۹۸۶ با یک تغییر بدون خونریزی به قدرت رسید - او در برخورد با دشمنان و سران و سوارترین لحظات تاریخ کشور خود و با پذیرش عجاایه اشتباهات حزب دمکراتیک خلق افغانستان و در سال ۱۹۸۶ بر نامه " آشتی ملی " و طرح کرد - او با سیاست نوین خود را بر پایه تفکر نوین دمکراتیک و در جهت غلبه بر بحران عمومی و اعلام آتش بس و تأمین آزادی ها و حقوق اساسی مردم در جامعه اعلام عمومی و سراسری و ایجاد شرایط برای مشارکت کلیه اقشار مردم در تعیین سرنوشت خویش و نمایندگی عادلانه همه مردم در ساختار سیاسی کشور و تشکیل دولت اتحاد ملی با حضور نیروهای عمده سیاسی کشور حفظ و ترویج سنتهای ملی و فرهنگی و تاریخی و اعلام دین اسلام به عنوان دین رسمی افغانستان و ویرای ایجاد افغانستان آزاد و آباد و مستقل و مردمی و ... پس ریخت - او در ۱۹۸۷ با اعلام آتش بس یکجا نبه و خواهان انجام مذاکرات صلح با گروههای " مجاهد " مخالف حکومت و دست یابندگان را در بازگشت به میهنشان باز گذاشت - از ۱۹۸۸ خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان آغاز شد و نهایتا در سال ۱۹۸۹ کلیه این نیروها از افغانستان خارج شدند - اما گروههای " مجاهد " که تنها در فکر قدرت و پولهای آریایان خارجی بودند و هیچگاه جواب مثبتی به خواستهای دکتر نجیب الله ندادند و نیز هیچگاه روند کمکی نظامی و مالی امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه به " مجاهدین افغانی " قطع نشد - با وجود عوامل تا مساعد داخلی و بین المللی و دکتر نجیب الله نتوانست در اجرای برنامه خود موفق شود و از این رو برای پایان بخشیدن به جنگ داخلی از مقام خود استعفا داد و به دفتر سازمان ملل متحد در کابل که مسئولیت حفظ جان او را به عهده گرفته بود منتقل شد - حکومت افغانستان نیز به دست گروههای جنایتکاری افتاد که دولت آمریکا با صرف میلیون ها دلار ملی سالیان طولانی آنها را " مجاهدان را آزادی " به جهان نشان معرفی کرده بود - در حکومت این گروههای " مجاهد " سرکوب مردم آزادانه و کشتار و شکنجه مخالفان با سببیت ادا می یافت و جنگ داخلی با گسترده گی هر چه بیشتر و کشتارهای عظیم نیروهای نظامی بیشتر گسترش یافت - مردم ستم دیده افغانستان و بهی از بهی به ماهیت پلید گروههای جنایتکار " مجاهد " و خط مشی درست و حقاقت حکومت آشتی ملی و دکتر نجیب الله آگاه می شدند - گروه مافیای ارتجاعی " طالبان " که از سال بهی با حمایت مالی و نظامی گسترده دولتها و آمریکا و پاکستان و عربستان سعودی و بر پایه ارتجاعی ترین تفکرات مذهبی تشکیل شده بود و با اتکا به سلاح های مدرن توانست مناطقی وسیعی از افغانستان را تصرف کند و با لاف در ۶ مهر ۱۳۷۵ کابل را تصرف و حکومت جدیدی را اعلام کرد و فرمان های ضد حقوق بشره و خدا ناستی به مردم ستمیز و خدزن را به عنوان قوانین " شریعت اسلام " حاکم بر جامعه صادر کرد - آنگاه با نقض مقررات بین المللی به دفتر سازمان ملل متحد در کابل میزبانی برد و دکتر نجیب و چپ رتن از باقی رانها بیرون بردند و آنها را به ماسکین بستند و در خیابانها بر زمین کنا کردند و سپس آنها را در میدان دوشهر کابل به دار آویختند و اجساد آنها را تا چند روز بر جویهای دار که داشتند تا برای عدالتخواهان و آزادیخواهان افغانستان درس عبرتی باعد -

معاونان عزیز :

دولت آمریکا که خود را مدافع حقوق بشر و مخالف بنیادگرایی های ارتجاعی معرفی می کند و به بهانه دفاع از " حقوق ملتها " و " پاسداری از صلح و آزادی " ولی در واقع برای دفاع از منافع سرمایه داری راست جهانی به سرکوب آشکار ملتها می پردازد و با حمایت آشکار از گروه بنیادگرایی مذهبی طالبان (که در کشتار و جنایت پلیدی و در میانی تفکر خدا ناستی و ضد آزادی و خدزن و عاص و معتز است) دست خود را بهی از بهی رو کرد - آنجا که مسئله حقوق بشر تا بهی معادلات و معادلات سیاسی خود عملکرسانها و جهانی مدافع حقوق بشر و حتی سازمان ملل متحد تا بهی سیاستهای خاص حکومت توسعه طلب آمریکا خود فاجعه ای در عراق و اینک در افغانستان رخ میدهد - حکومت جمهوری اسلامی ایران که بهی از ۱۶ سال خود را در مسئله افغانستان درگیر کرد و با تلف کردن میلیون ها دلار از ثروت مردم و امکانات جامعه در حمایت مالی و مالی و تبلیغی از گروههای مرتجع مورد نظر خود و در تشدید جنگ داخلی و بحران عمومی در کشور افغانستان نقشی قاطع و بسیار مهم داشته است و با تسلط گروه طالبان (که با بدوین و مذهبی ضد بهی را نمایندگی می کند) بر کابل و تیرد قدرت را در افغانستان باحت - حکومت ایران با اتکا به سیاستهای ضد دمکراتیک و

ما جراجویا نه و تشنج فزاینده در منطقه، کشور را در یک وضعیت خطرناک قرار داده است. اینک با وجود بحران گریستان عراق و دعالت ایران در آن، بهمان نظامی استراتژیک ترکیه و اسرائیل و دخالتهای کشورهای آذربایجان و استانیهای آنجا، ایران به تعرض و ادعاهای امارات متحده عربی نسبت به سه جزیره متعلق به ایران در خلیج فارس و تقابل میان بحرین و ایران و تسلط گروه طالبان بر کابل و... کشور ایران در یک محاصره جدی و خطرناک قرار گرفته است و احتمالاً برنامه جدی برای تجزیه و از هم گستن تمامیت ارضی کشور و ایجاد جنگ داخلی در کشور در حال تدوین است. این برنامه نه بهرعلیه حکومت ثوالتیستریستی ایران بلکه بهرعلیه منافع ملی و مصالح مبین و تمامیت ارضی و وحدت کشور و منافع مردم میباشد و اولین قربانیان این برنامه، نیروهای اپوزیسیون مستقل و دمکراتیک مبین هستند و از اینرو "اتحاد جبهه دمکراتیک ایران" وظیفه خود می داند تا مبارزه خود بهرعلیه سیاستهای ماجراجویانه و مداخله جویانه حکومت جمهوری اسلامی و اقدامات تجاوزگرانه و توسعه طلبانه اخیر را به رسم آمریکا را گسترش دهد. در همین حال "اتحاد جبهه دمکراتیک ایران" تاکید می کند که حوادث افغانستان می تواند دنیای همه نیروهای مرفقی و دمکراتیک ایران و درس بزرگی باشد و واقعیت آن است که تکیه بر شعارهای حماسی غیر قابل تحقق و تعمیم خطمی سیاسی بر پایه احساسات کوروکنده و فتنی گرائی صرف و بی توجهی به شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه و روحیات و آمادگی و خواستهای مردم، نادریده گرفتن موقعیت و توان و امکانات واقعی نیروهای اپوزیسیون مرفقی و دمکراتیک مردم و بی توجهی به وضعیت و توان حکومت و جناح ها و عوامل و نیروهای مسلح و غیر مسلح گوناگون و بسته به آن، عدم تشخیص درست لحظات غلبه دشمنی و تهاجم و دوران رکود و اعتلا و عدم غلبه بر تفرقه و پراکندگی و تشتت در صفوف نیروهای عمده آزاد و بیغولام عدم فعالیت سیاسی و سازمانی و فرهنگی جدی برای برقراری بیوند و زنده با توده ها و ارتقا و آگاهی آنها و هدایت اعتراضات و جنبشهای سیاسی و فتنی مردم و کسب مقبولیت و اعتبار نزد آنها و... می تواند فاجعه ای همانند فاجعه افغانستان را به کشور مردم مبین و نیروهای مرفقی و آزادخواه کشور ما تحمیل کند.

از اینرو ما اعتقاد داریم که می توان و باید برای گذار آرام و گام به گام (بدون تکیه به اقدامات مسلحانه و جنگ داخلی) و یا اشکال به انتخابات و واقعاً آزاد و دمکراتیک و از حکومت استبدادی دینی به حکومت دمکراتیک و مردمی و غیر دینی و مبارزه سیاسی توده های رادیکال و توده های مردم گسترش داد و در راه تامین بدون قید و شرط آزادی های اساسی و حقوق دمکراتیک در جامعه به عنوان شرط اصلی تحقق این تحول اساسی بهنگا رکورد و در این مبارزه نه هیچ یک از دولت های خارجی و بسته به متغیر نشد و در همین حال از منافع ملی و تمامیت ارضی کشور نیز پاسداری کرد.

مسلطان مبارز:

ناجوانمردی مرذالت و دودمنشی عمل جنایتکارانه قتل دکتر نجیب الله و پارتی در افغانستان از ماهیت اندیشه ها و اعتقادات گروه های وابستگرا و خدائسان و مزدور پرده بر می دارد و دکتر نجیب و پارتی از جمله قربانیان استبداد دینی در گوشه دیگری از این جهان پرا آشوب هستند. بهدادگران با قتل دکتر نجیب الله خواستند تا اندیشه و راه بکشند. گرچه نجیب گذشته اما اندیشه های پاک و آرمان و الاوانسانی او همواره زنده است. آری اندیشه را نمی توان کشت. علیرغم این چنین کشتارها و جنایتهای مختلف جهان علیه نیروهای جبهه اعمال می شود و نیروی جبهه و اندیشه ظفر نمون آن همیشه زنده است و رشد و نمو و استحکام می یابد و هر روز بر توانایی رزم و سیج مردمی آن افزوده می شود و در پرتو این پیشرفت ها و ریزش ها و سیجی از مردم به حقانیت و درستی آن بی می برند و به سمت آن جلب می شوند.

نیروی جبهه بالنده است و ارتجاع می ریزد. دکتر محمد نجیب الله از جمله شهدای بزرگ جنبش جهانی و زمین ها ی برجسته جنبش آزادی و عدالت مرفقی و صلح دوسرارجهان است. "اتحاد جبهه دمکراتیک ایران" وظیفه خود می داند تا وظیفه بزرگ این شهید بزرگ راه آزادی و عدالت و صلح پاسداری کند.

نامش جاوید - پادشاه گرامی - راهش سرسبز و آباد
 اتحاد جبهه دمکراتیک ایران - مهر ۱۳۷۵

لیست شرور

در واسطه ۱۳۷۴ در آلمان، عده ای ناشناس به آیت الله حائری سیستانی که از مخالفان ولایت فقیه در خارج از کشور است و تلفن زده و خود را از دوستداران وی در ایران معرفی می کنند و از او تقاضای ملاقات می کنند. آقای حائری به آنها وقت ملاقات می دهد ولی از آنجا که به این عده ناشناس شک می کند، لذا به پلیس خبر داده و از آنها کمک می گیرد. عده ای از ما موران پلیس زودتر از وقت ملاقات به منزل آقای حائری می روند و عده ای دیگر در جلوی منزل وی مراقب اوضاع می شوند. در وقت تعیین عده آن عده ناشناس می آیند و دو نفر از آنها به منزل آقای حائری می روند و سه نفر دیگر در معین جلوی منزل می نشینند. ما موران پلیس به هنگام ورود دو ناشناس به منزل آقای حائری آنها را بازداشت و از کیف آنها سلاح با عدا خفه کن و نیز چاقوی بزرگی پیدا می کنند. سه نفر دیگر که در معین بودند با کشت مدت زمان معینی از محل فرار می کنند، اما مورد تعقیب ما موران پلیس مراقب منزل فرار می گیرند. پلیس این سه نفر را نیز در محل سکونتشان دستگیر می کند. به این ترتیب که اخراج ایرانی به آنها هم ترور آقای حائری دستگیر می شوند و آنها را از وابستگان و عوامل حکومت جمهوری اسلامی ایران اعلام می کنند. از منزل آنها اسنادی به دست می آید که نشان دهنده آن بوده است که این افراد از ترور کنندگان آقای صادقی عرفی بودند و پارتی و نیز آقای کاظمی رجوی بوده اند. همچنین از منزل آنها اسنادی به دست می آید که لیست شرور لیستی از افراد مخالف حکومت جمهوری اسلامی ایران که در خارج از کشور زندگی می کنند و می بایست ترور می شدند. در زیراسما می مندرج در این لیست به ترتیب حروف الفبا، ارائه می شود:

- اسفندی - افشار - بابک امیر خسروی - ابوالحسن بنی مدر - منصور بیات زاده - علی بابائی - بهیران - رضا بهلولی - صفا حائری - مهدی حائری - علی اصغر حاج سید جواد - حکمت - حقیقی - حاج حمزه - علی خاوری - هادی خرسندی - مهدی خان بابائیهائی - اسماعیل خوشی - نسیم خاگسار - پرویز غاضمی - داوری - محمود رفیع - صالح رجوی - کامیاب زوستان - مصطفی رضائی - سید محمد سید المحدثین - حسن شریعتمداری - شریعتی - ناصر طهماسبی - علامه زاده - منصور فرزند - متوجه رگشی - جلال گنجی - عبدالکریم لاهیجی - مدنی - مقدم - همامون مقدم - هادی مهابادی - صباح زاده - مازندرانی - ممکن - مقین دفتری - فرخ نگیندار - حسن نریه - نادر غادر پور - هزارخانی

بحث انتقال قدرت به شورای رهبری

بدنبال تشدید جنگ قدرت درون حکومت و گسترش موج نا رضایتی از عملکرد ولی فقیه، عده ای در حمایت کامل از یک جناح حکومت (جناح راست افراطی و عناصر تندروی حکومت) دریدند و در سطح مسئولین حکومت و به موازات تعقیب هر چه بیشتر بحران عمومی در جامعه و برای رویارویی با مشکلات خارجی و داخلی که مجموعه حکومت روحانیون را تهدید می کند، عده ای از سوی سیاسی از مراجع تقلید و علمایان و عناصر قدرتمند حوزه های علمیه و عده ای هم که در میان عناصر قدرتمند و کلیدی مذهبی و سیاسی حکومت در مورد ایجاد "شورای رهبری" و انتقال قدرت ولایت فقیه از دست ولی فقیه عا منده ای به شورای رهبری و بحث های جدی و اساسی در جریان است. همچنین عده ای هم که افراد این شورای رهبری عبارتند از: "عا منده ای - اسفندی -